

طغای کر که حکم یک تو بیا
 زید و اقباله
 از صفت خود دارد الا بنابر آراش از المعدار است
 بر ب العباد الخد صمد ابو اور او است بدوت خداوند و صفت کتاب ملامت
 و به روز در کنسرت بدیده نویسنه از استیور نماید که کتاب ملامت
 و نیزه قصده در سپا که غریزان همه از مفاده صبح بپسند آری کتاب
 از خواصه بابیون به زود عا کوی خودشان از کرد خودشان امام بودند
 کتاب را بجا مانده داده بودند ما کتاب از ها بر می بخت شما
 گرام از آدم بقیس و استادیم باید که شمار آن کتاب را از آن
 خواصه بابیون به بسیار سید امانت ضیانت تو دیای ایام بگام
 یک بپی کا در آران مولا یا گفته بودند اگر نبود حاصل کرد
 اخبار است پلوتر تو بیان پسند تا خاطر صحنه انجامیه
 اسوالم خلیک